

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد قراگوزلو
۱۴ فبروری ۲۰۱۵

انقلابی که مغلوب نئولیبرالیسم شد! ۷. بسترهای فروپاشی رژیم شاه

شاه ماه بود!

در این بخش خواهیم کوشید ضمن خم شدن به ابعاد شاخص بحران اقتصاد سیاسی ایران در دهه پنجاه – به عنوان زیرساخت قیام توده ها و دلیل اصلی شکل بندی انقلاب بهمن- به اختصار نکاتی را در میان بگذارم. اهمیت این بحث به ویژه برای نسل بعد از انقلاب در پاسخ به این سؤال جدی طراحی می شود که گاه و بی گاه با لحن و ادبیاتی طلب کار و نکوهش گر پدران و مادران انقلابی خود را زیر ضرب می گیرند که "چرا انقلاب کردید؟" این مسأله مهم نیز که مشخصاً از سوی اصلاح طلبان رانده از قدرت و سلطنت طلبان زمزمه می شود ناظر بر این طنز سیاه نیز هست که "چون مردم ایران خوشی زده بود زیر دل شون انقلاب کردند!" مستقل از مبنای نامربوط این سؤال که انقلاب اجتماعی را به اراده این و آن پیوند می زند، وظیفه چپ سوسیالیست پاسخ مستند و مستدل به این پرسش سوزان است که در صورت مندی محاسبه شده آن به صورت مختلف آرکانیزه کردن عرصه اجتماعی از طریق رسانه برتر مترصد تطهیر دوران شاه و جا انداختن ترم "شاه ماه بود" است! از سوی دیگر باید اذعان داشت که شکست انقلاب و غلبه نئولیبرالیسم و اوضاع وخیم اقتصادی مردم زحمتکش- چنان که با آمار نشان خواهد داد- در کنار قیاس اندازه نان کنونی با نان دوران شاه به تقویت این مؤلفه کمک می کند. همان طور که در مقایسه آزادی های فردی می توان به مذمت انقلاب نشست. نگفته پیداست که ارزیابی دقیق هر کدام از این مقولات نیازمند مباحث گسترده ای است که از حوصله این مجال بیرون است اما به تبع ظرفیت ها و اولویت های بحث به نکاتی خواهیم پرداخت.

واقعیت این است که با وجود بیش از هزار میلیارد در آمد نفتی – که فقط ۸۰۰ میلیارد دلار آن در دوران "عدالت پروری و مهرورزی" جناب احمدی نژاد حاصل شده - نابرابری و شکاف طبقاتی به عمیق ترین شکل ممکن رسیده است. به اعتبار یک گزارش رسمی بهای مسکن شمال تهران بیش از ۱۷۵ برابر جنوب است. با مصادره یک اتوموبیل بچه بورژواهای تهرانی می شود تمام مدارس سردشت و پیرانشهر را به پیشرفته ترین امکانات آموزشی و پرورشی مجهز کرد.

دستمزد کارگران – به عنوان مهم ترین شاخص اقتصادی – در سال ۱۳۹۳ نسبت به مجموع افزایش نرخ تورم از سال ۱۳۵۷ تا کنون فقط ۳۰۰ درصد عقب مانده است! در حال حاضر دستمزد رسمی ۴ تا ۵ برابر زیر خط فقر

رسمی است. وضع دستمزد غیر رسمی به فاجعه مانسته است. سال ۱۳۵۷ حداقل دستمزد ۱۷۰۰ تومان بود. معادل یک سکه و ربع. سال ۱۳۹۱ حداقل دستمزد ۳۹۰ هزار تومان معادل یک ربع سکه بوده است. سال ۱۳۹۲ قدرت خرید کارگران نسبت به سال ۱۳۸۴ یعنی ابتداء و انتهای "پاک ترین" دولت تاریخ ایران، کم تر از یک سوم شده در حالی که هزینه زندگی بیش از ۵ برابر شده است. بر همین اساس است که قد مردم ایران در طول این سال های مشتعش ۴ سانت کوتاه تر شده است! سی و شش سال پس از انقلاب بهمن وزیر کار دولت تدبیر (علی ربیعی) با "افتخار" اعلام می کند که " ۷۸ درصد مردم تغذیه مناسب ندارند و ۱۲ میلیون نفر دچار فقر غذایی هستند." فاجعه سبد کالا یادتان هست که! همه این ها در کنار فساد نهادینه شده، بیکاری، افسردگی، خودکشی، آلودگی آب و هوا و غذا، کودکان کار، تحدید شدید آزادی های فردی و اجتماعی و... در مجموع همه آن عواملی است که ترم "شاه ماه بود" را توجیه می کند. همین جا و تا یادم نرفته و برای این که چند و چون اقتصادی "خوشی زده بود زیر دل مردم" کمی روشن شود به دو سه فاکتور اشاره می کنم تا ضمن تصریح اوضاع معیشتی مردم در روزگار اعلیحضرت بسترهای ورود به تحلیل بحران اقتصادی دهه ۵۰ نیز مهیا شود.

در سال ۱۳۵۱ بالغ بر ۶۴ درصد جمعیت شهرنشین سوء تغذیه داشتند. در سال ۱۳۵۶ حدود ۴۳ درصد مردم مسکن نداشتند. در حفاصل سال های ۵۳ تا ۵۶ اجاره خانه ۶۰ درصد دستمزد کارگران بود. در سال ۵۳ اجاره خانه ۲۰۰ درصد و سال بعد ۱۰۰ درصد افزایش یافت. در واقع شاخص هزینه مسکن از سال ۵۳ تا ۵۶ از ۱۰۰ به ۲۹۴ رسید. در مطلع انقلاب بیش از ۶۸ درصد مردم بی سواد بودند. از لحاظ سایر شاخص های توسعه انسانی مانند مرگ و میر کودکان زیر یک سال، مرگ و میر مادران باردار، توزیع پزشک و بیمارستان و درمانگاه و تخت بیمارستانی و امید به زندگی و غیره ایران در میان کشورهای منا حائز بدترین رتبه ممکن بود. این ها خوشی نیست که زیر دل مردم زده باشد. در حیطه آزادی های سیاسی هم بسیار گفته و نوشته اند. تحقیقاً هیچ نیروی ترقی خواهی را نمی توان نشان داد که در زمان اعلیحضرت همایونی از کم ترین درجه آزادی فعالیت برخوردار بوده باشد. این استبداد سیاسی چنان سیاه و عمیق بود که حتا پنبه کسان و سازمان هائی از قبیل لیبرال های جبهه ملی و نهضت آزادی را هم می زد. از آزادی مبتذل ترین نوع موسیقی که بگذریم ترم "شاه ماه بود" حتا در عرصه ابتدائی ترین آزادی های فرهنگی نیز از زمان خود عقب تر است. بررسی سرانگشتی اوضاع کتاب و روزنامه و سینما و تئاتر و تلویزیون به ادامه این بحث تیر خلاص می زند! البته و از حق و انصاف نباید گذشت که در آن زمان تیم ملی فوتبال سه بار پی در پی قهرمان آسیا شد و اگر آن اوضاع ادامه می یافت ای بسا خانم گوگوش یا دست کم خانم لیلا فروهر برنده یک جایزه گرمی می شد!! الله اعلم!

مختصات بحران اقتصاد سیاسی رژیم شاه!

تحلیل من از بحران اقتصاد سیاسی شاه معطوف به چند مؤلفه است: انبساط و انقباض اقتصادی بر اثر افزایش شدید قیمت نفت و ارتقای ۵ برابری در آمد سرانه، رکود تورمی متعاقب این برهه در کنار عدم توازن توسعه میان زیرساخت های کلیدی از جمله صنایع مرتبط با مسکن، حمل و نقل و کلیه شبکه های مواصلاتی، بنادر و البته عقب ماندگی نیازهای اولیه مردم (توسعه انسانی) مانند بهداشت و درمان و آموزش و حمل و نقل و غیره! چنان که دانسته است اولین شوک نفتی در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) وارد شد. می دانیم که سهم درآمدهای نفتی در توسعه کشور طی سال های ۱۳۴۲ تا ۴۷ - یعنی برنامه سوم توسعه شاه - نزدیک به ۶۶ درصد بود. در برنامه چهارم (۱۳۴۸ - ۱۳۵۲) این نرخ به ۶۳ درصد نزول کرد. چیزی نزدیک به ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی. بالغ

بر ۷۵ درصد دریافت های ارزی و ۵۰ درصد درآمدهای دولت در سال ۱۳۴۷ از فروش نفت تأمین می شد. در سال ۱۳۳۶ / ۱۹۵۷ درآمد نفتی ایران بیش از ۴۰ درصد درآمدهای دولتی را ممکن می ساخت. در سال ۱۳۴۷ / ۱۹۶۸ بیش از ۵۰ درصد درآمدهای دولت و ۷۵ درصد دریافت های ارزی و ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی از فروش نفت تأمین می شد. در مهر ماه ۱۳۵۲ / ۱۹۷۳ قیمت جهانی نفت در بطن یک خیزش شگفت ناک بیش از ۶ برابر شد. با انفجار بهای جهانی نفت در این سال سهم درآمد نفتی در تولید ناخالص ملی به ۵۰ درصد رسید. نکته بسیار مهم و حیاتی این است که پیش از آن که امکانات لازم برای جذب این سرمایه هنگفت فراهم شود این سهم در سال ۱۳۵۷ به ۳۵ درصد کاهش یافت. در سال ۱۳۵۳ تولید نفت ایران چیزی حدود ۶ میلیون بشکه در روز بود. در همین دوران است که قیمت نفت از بشکه ای ۳ دلار به ۲۰ دلار رسید....

نئولیبرال های وطنی از فوران این درآمد نفتی و به منظور تحلیل موقعیت دولت در ایران و رسیدن به تعلیل بحران به نتایج جالب و نظریه پردازی های جالب تری می رسند که در میان دوستان جهانی ایشان نیز هوادارانی دارد. نظریه "دولت رانتیه نفتی" که از سوی کاتوزیان مدون شده از این جمله است. من در کنار دوستان دیگری بی اساس بودن این نظریه را به وضوح نشان داده ایم. بنگرید به :

<http://akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=30853>

از شاه تا احمدی نژاد!

دیگر این که "اقتصاددانان" محترم در متن یک تحلیل مانیتاریستی افزایش نقدینگی را عامل اصلی رکود و تورم و بحران دوره مورد نظر می دانند و به رسم همیشگی خود کنترل نقدینگی را به عنوان راهکار خروج از بحران پیش می کشند و هیجان انگیزتر این که اولین گام کنترل نقدینگی را در تهاجم به معیشت مردم کارگر و انجماد دستمزد ها تعریف می کنند. راهکاری آشنا که در حال حاضر با شدت از سوی دولت روحانی دنبال می شود. شاید در راستای تحقق همین راهکارها بود که دولت جمشید آموزگار نیز در تلاشی نافرجام وارد همین عرصه شد و نه فقط راه به جایی نبرد بل که به شکل بندی یک رکود تورمی و انقباض اقتصادی دامن زد. امری که با روی کار آمدن شریف امامی و عقب نشینی تند رژیم و افزایش دستمزدها تناقض و گیج سری حاکمیت را بیرون انداخت. این فقط شخص شاه نبود که از "آتش زدن پول ها" در دوران شکوفائی سخن می گفت و مدعی می شد اگر یک بار دیگر چنین فرصتی پیش بیاید قدر پول هایش را خواهد دانست. نئولیبرال ها نیز از "اشتباه شاه" سخن ها گفته اند. برای نمونه بنگرید به مباحث مندرج در ویژه شماره هفته نامه "تجارت فردا" - ش ۵۶ شهریور ۹۲ - که کلی "اقتصاددان هایکی و سیاستمدار پوپری - از جمله وزیر اقتصادی روحانی - را جمع کرده تا " اشتباهات فاحش احمدی نژاد را با محمد رضا پهلوی مقایسه کند" و از این که در دوران شکوفائی " مردم داشتند مثل شیخ نشین ها پول خرج می کردند" گله فرماید و به حاکمیت توصیه کند اگر به بقای خود می اندیشید از این ولخرجی ها پرهیز کنید. در واقع کل پیام و منطق مقاله آقای فرشاد مؤمنی - مندرج در "اخبار روز" تحت عنوان " واکاوی ریشه های اقتصادی انقلاب ایران" - نیز چنان که خودشان می فرمایند، بیش از این نیست. **اگر می خواهید دوباره انقلاب نشود به حرف ما گوش کنید!** و شگفت انگیز نیست که در متن پیشبرد این منطق اقتصادی که ما به ازای سیاسی اش "تثبیت" یا تلاش برای تثبیت وضع موجود است جریان به اصطلاح نهادگرا و منتقدان "نئولیبرالیسم" دست در دست هم قدم می زنند. این جا عرصه ای است که "چپ" شبه کینزی حکومتی با راست بازار آزاد گرا متحد می شود تا اشتباهات تاریخی تکرار نشود. تلخ است یا گس بگذریم!

بورژوازی وابسته!

با وجود فسیل شدن نظریه "وابستگی" و با این که از سلطان زاده تا صفائی فراهانی و تا انتشار جزوه بسیار معتبر "اسطوره بورژوازی ملی مترقی" در مجموع صد سال گذشته است و با وجود تهاجم هم سوپه و زنجیرگسسته جهانی سازی های نئولیبرالی هنوز هم هستند کسانی که زیر علم و کتل "سوسیالیسم" نقدشان به بورژوازی وطنی از زاویه وارد کردن و واردات "جنس های بنجل" صادر می شود. از نظر این "سوسیالیست" ها اگر تولید ملی چنان شکوفا شود که سود سرمایه به جیب سرمایه دار وطنی - سال هاست به سرمایه دار می گویند "کار آفرین" - سرازیر شود همه عاقبت به خیر خواهند شد. در کنار این مبادله بالاخره چند تائی هم شغل ایجاد خواهد شد. حالا نیروی کار ارزان است که است!! تحلیل این جماعت از بحران اقتصاد سیاسی شاه نیز معطوف به همین عقب ماندگی تاریخی و البته طبقاتی است: "بورژوازی وابسته و تحت سلطه سرمایه داری بین المللی قرار داشت. این طبقه متشکل از ۱۰۰۰ خانواده بود... افزایش واردات به منظور پاسخ به تقاضای روزافزون... به عنوان مثال کارخانه ارج در سال ۱۳۵۶ به علت نداشتن پیچ متوقف می شود... در روزنامه رستاخیز در تیرماه [سرطان] ۱۳۵۷ آمده است که مرغ را با قیمت گزاف برای تولید تخم مرغ و جوجه کشی از خارج وارد می کنیم...". کسانی که از موضع چپ و "سوسیالیست" این ترهات را پخش و پلا می کنند از درک ساده ترین مکانیسم های متناقض و بحران زای سرمایه داری نیز عاجزند. حتما اگر از این فهم ساده هم ناتوان نباشند مسأله این است که به هر حال برای حمایت از جناح ملی سرمایه و فرستادن کارگران به زیر پرچم بورژوازی نیکوکار فقط نمی شود تحلیل سیاسی به کار بست. این جاست که پیچ و مهره و پنیر و مرغ و پشمک وارداتی وارد تحلیل می شود تا... بله تا از کارگر بخواهد که برای تولید ملی و میهن عزیز جان بدهد! در سال های اخیر انتخاب مطالبه محور این "چپ" در عرصه سیاست روی حزب مشارکت و اتحاد با جریان نهضت آزادی و ملی مذهبی آب بندی شده است. با همین دیدگاه است که "چشمان تمام باز" به روی برنامه پیوستن به گات بسته می شود و شیب ملایم خصوصی سازی و اجرای عاقلانه و هوشمندانه اصل ۴۴ حرکت مدبرانه جا و جار زده می شود.

ادامه دارد....

محمد قراگوزلو. ۲۳ بهمن [دلو] ۱۳۹۳ کرج.